

# د افغانستان اسلامي جمهوریت

دارشاد حج او اوقافو وزارت

ریاست ارشاد وانسجام امور مساجد

آمریت ارشاد ودعوت

د خطبوعومومی مدیریت



رهنمای خطبه روز جمعه مورخ: ۱۴۰۰/۳/۱۴

## وسطیت واعتدال در اسلام

الحمد لله الذي أمر بالعدل ونهى عن الجور والظلم والعداوان، وأشهد أن لا إله إلا الله الملك الحق المبين وأشهد أن محمدا عبده ورسوله؛ أرسله رحمة للعالمين وحجة على الخلق أجمعين صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه الذين ساروا على نهجه وتمسكوا بسنته وسلم تسليماً كثيراً أما بعد :

فقد قال الله تعالى في القرآن الكريم: (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا) {البقرة: (۱۴۳)}، وقال النبي صلى الله عليه وسلم: (إِنَّ الدِّينَ يُسْرٌ، وَلَنْ يُشَادَّ الدِّينُ إِلَّا غَلْبَهُ، فَسَدِّدُوا وَقَارِبُوا وَأَبْشِرُوا) رواه البخاري

ترجمه: به تحقیق دین آسانی است نه سخت گیری و در تنگنا قرار دادن و هر کسی که در دین سختگیری نماید و در آن شکست می خورد و در امور دین محکم و ثابت باشید، به مردم بشارت دهید نه اینکه آنها را مأیوس کنید.

### هم وطنان گرامی!

خداوند متعال این دین عظیم را با ویژگیهای که دارد بر دیگر ادیان برتری داده و این دین را به عنوان تنها دینی که جوابگوی مشکلات و در برگیرنده مصالح و منافع مردم است معرفی کرده.

از مهمترین خصائص و ویژگی های که دین مقدس اسلام را از سایر ادیان متمایز می کند؛ ویژگی وسطیت و اعتدال است . و به دلیل همین اعتدال و وسطیت است که خداوند متعال امت محمدی را گواه بر مردمان قرار داده و گفته است شمارا نیز امت میانه ای قرار دادیم تا گواه بر مردم باشید و پیامبر صلی الله علیه وسلم هم گواه بر شما باشد. الله متعالی فرموده است: (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا) {البقرة: (۱۴۳)} ترجمه: همینگونه شمارا گروه میانه رو گردانیدیم؛ تا شما بر مردمان گواه باشید؛ و پیامبر صلی الله علیه وسلم بر شما گواه باشد.

### برخی از نمونه های اعتدال و وسطیت

۱- اعتدال در عبادات : در دین مقدس عبادت باید به آن اندازه انجامید که انسان توان آنرا داشته باشد و اسلام تمامی انواع عبادات که در ادیان قبلی رائج بود منع نمود مانند: روزه گرفتن طول عمر، پرهیز از نکاح و امثال آن. دلیل این داستان همان نفر از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم که هر کدام چیزی را بر خود نذر قرار داده بودند یکی گفته بود که من همیشه روزه میگیرم، دیگری گفته بود که من همیشه نماز میخوانم و سوم گفته بود من ترک ازدواج میکنم این خبر به رسول الله صلی الله علیه وسلم رسید، فرمود که (والله إني لأخشاكم لله وأتقاكم له لكنني أصوم وأفطر وأصلي وأرقد وأتزوج النساء فمن رغب عن سنتي فليس مني). متفق علیه

ترجمه: قسم به الله من نسبت به شما از خداوند زیاد میترسم و نسبت به شما زیاد تقوی دارم اما من روزه میگیرم و افطار میکنم نماز میخوانم و خواب میشوم، با زنان نکاح میکنم پس کسی که از سنت من اعراض کرد از جمله امت من نیست.

## ۲- وسطیت و اعتدال در تحریم و تحلیل است

یهودیان بسیار اشیائی را که خداوند حلال دانسته آنها بر خود حرام کردند و گروه دیگری چیزهای را که خداوند حرام کرده بود آنها را برای خود حلال کردند؛ در حالیکه حکم به تحلیل و تحریم اشیاء حق و صلاحیت پروردگار است نه از بندگان. قرآن کریم میفرماید: {أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ} {الاعراف: (۵۴)}

ترجمه: آگاه باشید کهافرینش وفرمانروائی از آن اوست، بسیار با برکت است الله که پروردگار جهانیان است.

## ۳- اعتدال و وسطیت در نظام اقتصادی

اسلام اجازه ای برای ملکیت فردی داده است و برای ملکیت فردی احترام قایل است که ضرر به کسی نداشته باشد، الله متعالی فرموده است: {قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ} آل عمران: (۲۶).

ترجمه: بگو بارالها ای مالک همه چیز بر هر کس که میخواهی ملک و حکومت میبخشی و از هر کسیکه میخواهی ملک و حکومت را باز میگیری .

همچنان اسلام بر ملکیت عامه که ملکیت آن مربوط به عامه مردم می باشد اعتراف نموده است.

پس اسلام دین وسطیت و اعتدال است بین افکار کمونیستی و نظام های فیودالیزم غربی.

## ۳- اعتدال و وسطیت در انفاق مال

الله متعال فرموده است: {وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا} الفرقان: (۶۷)

ترجمه: و کسانی اند که هنگامیکه خرج کنند نه اسراف میکنند و نه سخت گیری میکنند و عطای ایشان در میان این هر دو یعنی در میان اسراف و سختی است .

در آیت دیگری خداوند چنین فرموده است: {وَإِنِّي لَأَتَّبِعُ فِيهَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا} القصص: (۷۷)

ترجمه: و به وسیله آنچه الله به تو داده است سرای آخرت را بخواه و سهم خود را از دنیا فراموش نکن.

## ۴- وسطیت و اعتدال در عقیده

دین مقدس اسلام در موضوعات عقیده بین افراط و تفریط قرار دارد؛ بین الحاد ملحدین که از وجود الله متعالی منکر هستند و بین مشرکین که ذات اقدس الله متعال را به مخلوق تشبیه میدهند و در ذات و صفات الله عزوجل مخلوق را شریک می نمایند.

اسلام انسان را به وسطیت عقیدوی هدایت نموده که افراط، تفریط نکنید که پیامبران را به خدای نگیرید؛ بلکه عقیده اعتدال این است که آنها رسولان و فرستادگان الله اند باید به تمام انبیاء علیهم السلام ایمان داشته باشیم و اولیاء الله را دوست داشته باشیم.

## ۵- اعتدال در نظام سیاسی

اسلام اعتدال در نظم و انتظام مبتنی بر رعایت حقوق راعی رعیت معین نموده است که د ر آن امن ، سلام، سمع ، طاعت به معروف ترسیم شده است و منهج شورا را ترسیم نموده است. الله تعالی میفرماید: {وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ} آل عمران: (۱۵۹)

ترجمه: و در کارها با آنها مشوره کن پس چون تصمیم قاطع گرفتی به الله توکل کن شکی نیست که الله توکل کننده گان را دوست میدارد.

۶- اعتدال در اقوال و گفتار است: الله متعال فرموده است: {وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى} الانعام ۱۵۲

ترجمه: و هنگامیکه سخن گوئید عدالت را مراعات نمائید هر چند (که سخن به نفع و یا زیان او است) از نزدیکان هم باشد.

۷- اعتدال در افعال و فیصله ها است: الله تعالی فرموده است: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ

النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ} النساء: (۵۸) ترجمه: یقیناً الله بشما دستور میدهد که امانات را به اهلش بسپارید و هنگامیکه در میان مردمان داوری کنید داوری عادلانه انجام دهید.

۸- اعتدال شوهر بین زوجات است: الله تعالی فرموده است: {وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ} النساء: (۱۹)

ترجمه: و با زنان بطور شایسته رفتار کنید.

واز جمله اعتدال ووسطیت این دین جلب مصحلت و دفع مفسده آسانی و دفع مشقت است؛ الله متعال فرموده است: {وَمَا جَعَلْ عَلَيْنَكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ} الحج: (۷۸).

ترجمه: ودر دین هیچگونه مشقتی را بردوش شما نگذاشته است.

دیگر اعتدال ووسطیت این دین آسانی، رفق و نرمی است؛ چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: (یسروا ولا تعسروا، بشروا ولا تنفروا) {متفق علیه

ترجمه: آسانی کنید و سختی نکنید بشارت دهید و مردم را از دین دور نکنید.

### تعریف غلو در لغت و اصطلاح

واژه (غلو) باتمام مشتقات آن معنای از حد گذشتن، گزاف کاری و مبالغه را افاده میکنند؛ بطور مثال گفته میشود: (غلا السعر، یغلو غلاه)؛ زمانیکه بهاء گران شود و نرخیها بالا رود (غلا الرجل فی الامرغلو)؛ زمانیکه انسان از حد خودش تجاوز کند و پایش را فراتر نهد.

غلو در اصطلاح شریعت عبارت است از زیادت و افراط و ورزیدن در یک امر بگونه که در تعریف و ستایش کسی، یا در مذمت کسی، یا در محبت و خوب دیدن کسی یا در عداوت و بد دیدن کسی، یا در قبول و مسترد نمودن چیزی، یا در فعل و ترک چیزی از حد و معیار شرعی آن به ناحق، بدون کدام دلیل و مجوز معتبر تجاوز صورت گیرد.

### معیار شناسائی حق و یاراه وسط

از تعریف غلو و بعضی ضوابط آن؛ معیار و راه اعتدال و وسط را نیز دانسته میشود، و آن اینکه در آن عقیده و یا عمل هیچگونه افراط و تفریط نباشد، چنانچه عمر بن عبد العزیز در جواب نامه که در ارتباط تقدیر از وی سوال شده بود، فرمود: (وقد قصر قوم دونهم فجفوا، وطمح عنهم أقوام فغلوا وإنهم بین ذلک لعلی هدی مستقیم). سنن ابی داود

عده از مردم در مورد اصحاب کرام با مرتکب شدن کوتاهی جفا و ستم نمودند، وعده دیگری با بلند بردن مقام ایشان مرتکب غلو و افراط شدند، اما محققان در حصه اصحاب پیغمبر صلی الله علیه وسلم در مابین این هر دو قرار داشته بر یک راه راست استوار است.

همچنان حسن بصری رحمه الله میگوید: (سننکم والله الذی لآله إلا هو بینهما بین الغالی والجافی). شرح الطحاویة

ترجمه: یعنی طریق و روش شما در مابین افراط و تفریط قرار دارد همچنان.

امام ابن قیم علائم راه وسط را مشخص ساخته میگوید: (وما أمر الله بأمر إلا وللشیطان فیہ نزغتان: إما إلى تفریط وإضاعة وإما إلى إفراط و غلو و دین الله وسط بین الجافی عنه و الغالی فیہ کالوادی بین جبلین و الهدی بین ضلالتین و الوسط بین طرفین ذمیمین فکما أن الجافی عن الأمر مضیع له فالغالی فیہ مضیع له هذا بتقصیرہ عن الحد و هذا بتجاوزہ الحد و قد نهی الله عن الغلو). مدارج السالکین

ترجمه: خداوند جل جلاله به هیچ کاری امر نفرموده است مگر شیطان دو نوع کشش را در آن ایجاد میکند ۱- کشش تفریط و ضایع نمودن. ۲- و دیگری کشش افراط و غلو و دین خداوند مانند وادی که در مابین دو کوه قرار دارد در مابین هر دو راه یعنی افراط و تفریط قرار دارد. و نیز دین خداوند راه راستی است که در مابین دو راه ضلالت قرار دارد، و نیز دین خداوند راه وسط و میانه است؛ پس طوریکه مردم ستم و تقصیر کننده در مورد یک امر در حقیقت ضایع و نابود کننده آن امر به شمار میرود، همچنان شخص افراط گر ضایع کننده آن امر به شمار میرود، اولی در اثر تقصیر و کوتاهی، و دو می در اثر تجاوزش از حد معین و مشخص و خداوند از غلو منع فرموده است.

پس اسلام دین وسط و اعتدال است، افراط و تفریط در هیچ موردی از امور زندگی در آن جای ندارد.

### تاریخچه غلو و افراط گرایی

بامطالعه تاریخ دعوت پیامبر ان این حقیقت برملا میگردد؛ که بر خورد مردم در برابر پیامبران و دعوت ایشان همیشه متفاوت بوده و مردم یکی از این حالت را اختیار نموده اند:

۱) گرایش صادقانه به دین برحق و پیروی نمودن از آن در تمام ابعاد زندگی.

۲) تفریط و یا اعراض از دین و دعوت برحق.

۳) افراط گرایی و تجاوز نمودن از حدود تعیین کرده خداوند .

تمام حالات متذکره فوق قبل از این امت، در امت های قبلی وجود داشت بطور مثال از امت های مشهور گذشته بنی اسرائیل راه افراط و غلو را در پیش گرفته بودند که خداوند متعال بطور مستقیم ایشان را مخاطب قرار داده فرمود: {يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ} النساء: (۱۷۱)

ترجمه: ای اهل کتاب! در دین خود غلو مکنید و در باره خداوند جز [سخن] درست مگوئید.

غلو و افراطی را که نصارا مرتکب آن شده بودند این بود که آنها عیسی (علیه السلام) را پسر خدا، ورب میدانستند، و در این شکی نیست که مخاطب اول این دو آیت همان مردمان یعنی نصارا بودند .

منظور الله تعالی از باز گو نمودن آن در قرآن کریم همانا بر حذر داشتن امت محمدی صلی الله علیه وسلم از مرض مهلک و کشنده غلو و افراط گرایی بوده است، اما بدبختانه چیزیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم امتش را از آن بر حذر داشته بود باهر دو نوع رونما گردید، بلکه تخم و بذر آن را در حیات مبارک پیامبر صلی الله علیه وسلم کاشته شد .

چنانچه امام بخاری: از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت میکند که روزی پیامبر صلی الله علیه وسلم مال غنیمت را تقسیم می کرد . مردی بنام عبدالله بن ذی الخویصره تمیمی آمد ونحوه تقسیم پیامبر صلی الله علیه وسلم را مورد انتقاد قرار داد و گفت: (اعدل یارسول الله) یعنی ای پیامبر عدالت را مراعات کن .

پیامبر صلی الله علیه وسلم به لهجه و شیوه بسیار نرم فرمود: (ویحک ! من یعدل إذا لم أعدل؟) یعنی هلاک شوی اگر من عدالت نکنم پس چه کسی عدالت خواهد کرد؟ .

عمر بن الخطاب بر آشفته شد و گفت: (یارسول الله! ائذن لی فأضرب عنقه) اجازت دهید تا سر این شخص را از بدنش جداکنم. اما پیامبر صلی الله علیه وسلم اجازه ندادند و فرمودند: (دعه فإن له أصحاباً يحقر أحدكم صلاته مع صلاته وصيامه مع صيامه) البخاری بگذار این آدم پیروانی خواهد داشت که یکی از شما نمازش را در برابر نماز آنها ورزه اش را در برابر روزه آنها بسیار کم و ناچیز میدانند.

و در یک روایت دیگر آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: (إن من ضئضئى هذا قوما یقرءون القرآن لا یجاوز حناجرهم، یقتلون أهل الإسلام ویدعون أهل الأوثان یمرقون من الإسلام كما یمرق السهم من الرمية لئن ادرکتهم؛ لاقتلنهم قتل عاد). البخاری

ترجمه: از نسل این مرد گروهی پیدامیشود که قرآن را میخوانند اما قرآن از گلو و حنجره های ایشان تجاوز نمیکند یعنی به مطالب و احکام قرآن عمل نمیکنند، با مسلمانان میجنگند بت پرستان را ترک میکنند از اسلام بیرون میشوند طوری که تیر از کمان بیرون میشود اگر من آنها را دریابم آنها را قتل میکنم مانند قتل عاد.

### معیارها و ضوابط شناخت غلو

۱- غلو تجاوز از حد در عبادات، طوری که چیزهای راکه واجب و یامستحب نباشد بدون دلیل و یا مجوز شرعی واجب و یامستحب پنداشته شود. همچنین از حدگذری در یک آیه کریمه طغیان گفته شده است. چنانچه خداوند متعال در مورد بنی اسرائیل فرموده است: {وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي} طه: (۸۱)

یعنی در [حدود مقرر از خدا] تجاوز نکنید؛ (چرا اگر گردنکشی شود [خشم من دامنگیر تان میگردد).

۲- معیار دیگر شناخت غلو طوری که حافظ ابن حجر عسقلانی بیان داشته است عبارت است از عمل کردن به عزیمت در محل رخصت، مانند کسیکه در هنگام ضرر رسانیدن آب از رخصت تیمم استفاده نکرده خود را با استعمال نمودن آب به ضرر مواجه می کند .

۳- معیار غلو در طبیبات و یا اشیای حلال این است که آنها را حرام و مکروه و یا مثل حرام و مکروه قرار داده شود مانند ترک نکاح و غیره .

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته